



۲۷۳۲۸

تجربیات

در زمینه

# سازماندهی هسته‌ها و محافل سیاسی

هواداران :

«رزمندگان آزادی طبقه کارگر»

( میلان )

۲۷۲۳۸



تجربياتى

درزمينه

# سازماندهى هسته‌ها و محافل سياسى

هواداران :

((رزمندگان آزادى طبقه کارگر))

( گیلان )



۱	..... مقدمه
۶	پیش شرط های تشکیل هسته سیاسی
۶	۱ - وحدت ایدئولوژیک - سیاسی اولیه اعضای هسته ...
۷	۲ - داشتن برنامه عملی برای فعالیت در جنبش .....
۹	۳ - خصلت انقلابی و روحیه تشکیلاتی .....
۱۱	وظایف هسته ها و محافل سیاسی .....
۱۴	کار مستقل و ارتباط با سازمانهای سیاسی .....
۱۵	سازماندهی و ضوابط تشکیلاتی محفل .....
۱۵	۱ - ضرورت انتخاب مرکزیت .....
۱۶	۲ - سازماندهی .....
۱۷	۳ - توجه به مسائل تئوریک .....
۱۸	۴ - طرح مسائل و مشکلات با همه اعضا .....
۱۸	۵ - انتقاد و انتقاد از خود .....
۲۲	۶ - رعایت مسائل امنیتی .....
۲۲	۷ - گزارش نویسی .....
۲۳	۸ - جمع بندی و تدوین تجربیات .....
۲۴	۹ - همکاری رفیقانه .....
۲۴	۱۰ - تداوم ارتباط با توده ها و غنی ساختن آن .....
۲۵	۱۱ - تقسیم کار .....
۲۶	۱۲ - چند رهنمود کوتاه .....



## تجرباتی در زمینه سازماندهی هسته ها و محافل سیاسی

( مقدمه )

با قیام جانبازانه مردم در بهمن ماه دیکتاتوری سیاه و ننگین پهلوی سرنگون شد . و مردم به هیجان آمده از شور انقلابی بطور نا آگاهانه و خویخودی تعرض به سرمایه داری وابسته و امپریالیسم را هدف خود قرار دادند . و در این زمینه انقلاب را جهت دستیابی بیشتر به دست آورد های مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته ادامه میدادند . و خواست تصفیه نشده و از صافی طبقاتی نگذشته برابری و برادری را که در ذهن خود برای جامعه آینده شان ساخته بودند میخواستند بر آورده شود . پرولتاریا در نبود گردان پیشاهنگ - حزب کمونیست - خود وعدم تأمین هژمونی اش بر مبارزات توده ها با توهمات ذهنی و روئینایی در صدد ایجاد تشکلهای خود بود - شوراها - پرولتاریا با این تصور که دیگر سرمایه دارها و مزدورانشان را بیرون خواهیم کرد و کارخانه مال خودمان خواهد بود و خودمان

اداره اش خواهیم کرد، در امور کنترل و مدیریت کارخانه‌ها دخالت مستقیم می‌کردند. دهقانان فقیر و بی‌زمین نیز با آرزوی صاحب زمین<sup>شدن</sup> و رونق کار کشاورزی، زمینهای دولتی و ملاکین و فئودالها را تصاحب می‌کردند. و دیگر اقشار خلق نیز به همین ترتیب در جهت منافع خود دست بکار ادامه و پیگیری انقلاب شده بودند اما این یک روی سکه بود و آن هم نیروهای اصلی انقلابی جامعه بود و روی دیگر هیئت حاکمه جدیدی بود که منافع مردم را نمایندگی نمی‌کرد بلکه عمدتاً در جهت متوقف کردن انقلاب و جلوگیری از رشد روحیه انقلابی بود. و این تناقضی است که در ادامه اش تصورات و توهمات را از ذهن پرولتاریا و دیگر اقشار خلق خواهد زدود و آنها را به خواست اصیل طبقاتی خود نزدیک خواهد کرد.

بعد از قیام بهمن ماه پرولتاریا و توده های زحمتکش رهایی را به چنگ نیاوردند بلکه پای در میدانی گذاشتند که مبارزه طبقاتی به مراتب پیچیده تر و مشکلتری در آن جریان دارد. و این میدانی است برای رهایی انقلابی پرولتاریا و جامعه از زنجیرهای اسارت آور نظامات طبقاتی.

در طول پروسه انقلاب نیروهای بالقوه زیادی به جریان انقلاب کشانده شدند. در این میان نیروهای هوادار طبقه کارگروم - ل تعدد چشم گیری داشتند. گروه، گروه از مبارزان صادق، فعال، پر  
(ص ۲)



شور و پرجوش و خروش و با انرژی وارد میدان مبارزه شدند که خواهان مبارزه ای اصیل و متشکل در جهت رهایی پرولتاریا و خلق از سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته بودند ولی به علت ضعف و کم تجربگی جنبش کمونیستی و نبود سازمان یا سازمانهایی که بتواند این نیروها را حول خط معین و مشخصی در جنبش سازماندهی کند، این نیروها با دست زدن بکارها و فعالیت پراکنده و غیر منظم اصولاً به هرز رفته میروند. و این ضعف و کمبود جنبش کمونیستی امری نیست که به این زودیها مرتفع گردد. پروژه طولانی را جهت ایجاد حزب کمونیست میخواهد. در این مدت این نیروهایی که دست رسی به ارتباط و پیوستن به گروهها و سازمانها را ندارند خود میتوانند با استفاده از تجارب و رهنمودهای سازمانهای انقلابی بطور منضبط و متشکل در جنبش کار کنند.

چون این نیروها در مبارزات تشکیلاتی و منظم گروهی نبوده اند بدین خاطر در اداره وظایف درونی جمعهای خود و در امر تبلیغ و ترویج و سازماندهی در طبقه کارگر و توده ها کم تجربه هستند. و این امری ناگزیر است. که در جهت رفع این نقصان این جمعها میتوانند از رهنمودهایی که نتیجه تجارب و دست آوردهای سازمانهای انقلابی است استفاده کنند. ما در این جزوه برخی تجارب مبارزاتی را جهت ارائه رهنمود به نیروهای مبارز هوا دار طبقه کارگر و محافل جمع بندی



اولین قدم در جهت فعالیت منظم سیاسی شکستن پوسته‌ای از بی‌برنامگی و روابط محفلی و پای گذاشتن در مبارزه جدی طبقاتی است. و این گام همان تشکیل هسته‌های سیاسی است. هسته‌سیاسی پایان دوره بی‌برنامگی اعضا آن و آغاز فعالیت منظم و اصولی آنان است. اولین قدمی است که در جهت مبارزه تشکیلاتی برداشته میشود. افراد هسته بطور داوطلبانه و بر اساس معیارهایی که توضیح داده خواهد شد هسته را تشکیل میدهند برنامه و طرز عمل واحدی را تعقیب می‌کنند و از فعالیت فردی و بی‌برنامه خارج میشوند. هسته سیاسی دیگر یک محفل نیست. چرا که محفل بعلت بی‌برنامگی و فقدان روابط تشکیلاتی بین اعضایش مجموعه‌ای سازمان نیافته است که لیبرالسم در آن حاکمیت دارد و نیز بعلت خصلت خود بخودی تشکیل آن ترکیب نا همگونی دارد و افراد نا متجانس و متضادی را گرد آورده است. ولی روابط هسته کاملاً آگاهانه و از پیش تعیین شده و تابع ضوابط و مقرراتی است و تشکیل آن نیز خصلتی کاملاً آگاهانه و انتخابی دارد و با لیبرالسم تشکیلاتی شدیداً مبارزه می‌گردد. بنابراین در مرحله انتقال محفل به هسته سیاسی و نظم تشکیلاتی باید بخشی از آن کارگذارده شود. هسته سیاسی یک سلول ساده تشکیلاتی است. و ضوابطی را که یک گروه و تشکیلات دارد، ملزم به اجرای آنهاست. هسته مثل یک گروه باید وحدت نسبی ایدئولوژیک سیاسی

داشته باشد <sup>①</sup> برنامه جمعی داشته باشد ضوابط تشکیلاتی داشته ...  
 منتهی این هسته این ضوابط و اصول را مطابق شرایط و موقعیت خود  
 بکار میگیرد . مثلا در مورد مواضع ایدئولوژیک - سیاسی بین يك گروه  
 و يك هسته سیاسی اختلاف زیادی است . گروه باید مواضع ایدئولوژیک  
 سیاسی اش روشن - صریح و توأم با تحلیل باشد . ولی يك هسته  
 سیاسی همین مواضعی را در سطح پایین و بطور کلی دارد . حتدر  
 بعضی موارد آنرا می تواند نداشته باشد . همچنین در موارد دیگر  
 هسته قرارها، جلسات مطالعه و ارتباط منظم و معین دارد . افراد  
 هسته حتی الامکان بایستی افراد حرفه‌ای باشند . ولی لزوما همه افراد  
 هسته نباید حرفه‌ای باشند . ولی بودن افراد حرفه‌ای در هسته  
 ضروری است که مسائل و کارهای هسته را رتق و فتق کنند . این هسته  
 از سه تا پنج نفر را در بر میگیرد . تشکیل هسته سیاسی پیش شرطهایی  
 دارد . که نبود این پیش شرطها هسته سیاسی را به سطح يك محفل  
 معمولی تنزل میدهد . پیش شرط های تشکیل هسته سیاسی بشرح  
 زیر است .

۱- وحدت ایدئولوژیک - سیاسی اولیه اعضای هسته .

اعضای هسته سیاسی باید از نظر مواضع ایدئولوژیک - سیاسی بیک  
 وحدت اولیه رسیده باشند و بر سر اجرای يك برنامه معین توافق کرده  
 باشند . آنها باید م - ل را بعنوان ایدئولوژی طبقه کارگر پذیرفته

باشند و لزوم پیوند آنها با جنبش خود بخودی طبقه کارگر دریافت شده باشند. در مورد موضع گیری نسبت به انواع جریانها ت جنبش کمونیستی چه در داخل و چه در سطح بین المللی اختلاف نظر اصولی نداشته باشند و فعالانه در جهت شناخت دقیق و موضع گیری اصولی نسبت به آنها کار کنند. مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی در درون هسته به آن تحرك و غنای تئوریک بخشیده و وحدت اولیه را مستحکمتر خواهد کرد. این مبارزه بایستی بطور کلی علیه گرایشها و اندیشه های بورژوازی - خرده بورژوازی که در م. ل نفوذ کرده اند و بطور خاص و محوری علیه روزیونیسم (تئوری روزیونیسم مدرن و پراتیک آن حزب بوده و سوسیال امپریالیسم، تئوری سه جهان) انجام گیرد. هسته باید نتایج کار خود را در این زمینه به جنبش ارائه دهد و در ترویج یکبار برد و بکام آن رفتار و حرکت خود را دقیقتر و اصولی تر سازد.

۲- داشتن برنامه عملی برای فعالیت در جنبش

آنچه که هسته پس از وحدت ایدئولوژیک - سیاسی برای آغاز و استمرار حرکت خود نیازمند است. داشتن برنامه عملی است. برنامه عملی مضمون کار هسته در یک مدت مشخص را تعیین می کند. برنامه هم چنین خط کاری هسته را روشن می کند برنامه بنا به موقعیت هسته و وظیفه اش را در قبال جنبش روشن میگرداند. فرض اگر هسته در یک شهری است که صنعتی نیست و به محیط های روستایی و تجمع های

دهقانی نزدیک است . هسته برنامه خود را در جهت کار روی جنبش دهقانی می گذرد . به تبلیغ و ترویج و ایجاد شوراهای دهقانی می پردازد . یا اگر در محیط های صنعتی است هسته برنامه کاری خود را عمدتاً در رابطه با کارگران آن منطقه و تشکیل هسته های صنفی - سیاسی کارگری می گذارد . یا در صورت امکان و داشتن نیرو و گسترش کار در هر دو جهت مضمون کار انرژمی می گذارد . همچنین هسته باید دارای برنامه گسترش یا برنامه ارتباط و پیوند با سازمانها و گروهها باشد . هسته باید برای کار روی کارگران پیشرو و دهقانان و شوراهای دهقانی و کمیته های صنفی - سیاسی کارگری برنامه داشته باشد . برنامه های ترویجی بزبان ساده برای کارگران ، دهقانان و زحمتکشان تعیین کند . همچنین برای اعضای هسته برنامه مطالعاتی و آموزشی باید تعیین شود . در واقع تمام حرکت های هسته باید تابع یک برنامه و مضمون مشخص باشد . اگر چنین برنامه مبارزاتی مشخصی نداشته باشیم در حقیقت کلیه فعالیت هایمان بی جهت و بی هدف خواهد شد و عملاً از شعار روزیونیستی " جنبش همه چیز - هدف نهایی هیچ " پیروی کرده ایم و هسته را از یک مبارزه جدی اصولی و منظم محروم ساخته ایم . فعالیتها هنگامی از شکل محفلی خارج و شکل تشکیلاتی و منظم میگیرد که از برنامه واحدی تبعیت کند . برنامه عملی و وظایف و شیوه های عمل انقلابی را چه بطور کلی و چه بطور مشخص و

مرحله ای بیان میکند . برنامه از اتلاف انرژی و دوباره کاری جلوگیری میکند و در فعالیتها، همسوی و همنوایی بوجود میآورد . معین بودن هر دوره از کار و هدف آن مهم را از غیر مهم جدا میسازد و بما اجازه میدهد تا درست از همانجایی که کار ادامه می یابد شروع کنیم . برنامه بایستی بر پایه " آنچه که باید انجام بدیم " باشد نه فقط بر پایه " آنچه که میتوانیم بکنیم " . چرا که " آنچه باید انجام بدیم " با آنچه بطور خود بخودی انجام میدهم در تضاد است و این تضاد میتواند محرک خوبی جهت حرکت سریع و انقلابی هسته برای رسیدن به آنچه باید انجام بدیم " باشد . هسته بی برنامه در واقع اسیر فرمالیسم است .

### ۳ - خصلت انقلابی و روحیه تشکیلاتی

" انقلاب ضیافت و شب نشینی نیست "  
( مائو )

اگر هدف ما از وارد شدن به مراحل عالیتر مبارزه انقلابی همانا ساختن جامعه ای بی طبقه بدست کارگران و زحمتکشان باشد ، نمیتوانیم در برابر خصائل و اخلاقیات خرده بورژوازی و بورژوازی بی تفاوت باشیم . تنها کسی میتواند عضو هسته شود که از روحیه انقلابی رزمنده و مبارزه جو برخوردار باشد فاقد خصوصیاتهای خرده بورژوازی به شکل غالب باشد . در راه مبارزه مصمم و از جان گذشته باشد . پرکار ، پرحوصله ، مقام وجدی باشد . هسته نباید صفوف خود را از کسانی

که امروز مبارزه میکنند و فردا همه چیز را به کناری می‌نهند و یا تحت تأثیر جاذبه‌های زود گذر انقلابیگری خرده بورژوازی ب میدان آمده‌اند بگرند . کسی که به روحیات خرده بورژوازی بدیده اغماض مینگرد و راه را بای بلند پروازیهای سیاسی یا تفریح سیاسی خرده بورژواها می‌گشاید علاوه بر اینکه کار خود را نابود میکند به نطفه ها و پایگاه های رونیونیسم ، آوانتورسم ، ترسکیسم و انواع انحرافات ضد کارگری اجازه تنفس میدهد . او غیر مستقیم به پرولتاریا خیانت کرده است . تنها کسانی که همه زندگی و آمال خود را رهایی زحمتکشان از قیود نظام سرمایه داری قرار داده اند و همه خواسته هایشان را در این جهت سوق میدهند استعداد هسته‌ای شدن را دارند .

روحیه تشکیلاتی: اگر رفقای هسته همه خصوصیات مذکور را داشته باشند ولی تعهد تشکیلاتی ، روحیه تشکیلاتی ، احساس وابستگی به هسته و پیوند عمیق کار خود با آن را نداشته باشند هسته بیشتر از چند روز نمیتواند دوام بیاورد . زیرا روحیه تشکیلاتی آن خصوصیت اکتسابی است که فرد را تنها در ارتباط با مجموعه هسته مورد توجه قرار میدهد . او خود را جزئی از کل هسته بحساب می‌آورد . او مسئول اعمال خود در قبال هسته است . او موظف است تصمیماتی را که در هسته و بطور جمعی اتخاذ شده است عملی سازد . او همه انرژی خود را صرف انجام این کار باید بکند و تا حد توانایی حد اکثر برنامه را



به اجرا درآورد . تنها در این مرحله از مبارزه است که فرد تمام خصوصیات محفلی و روشنفکریش را از دست میدهد . در غیر این صورت هسته از تکامل بازمی ماند و در اولین حرکات دچار بی نظمی و بی شکلی میشود و نمیتواند بطور اصولی گسترش یابد . به همین علت با روحیه ضد تشکیلاتی غیر تشکیلاتی و لیبرالیستی باید مبارزه نمود . لیکن اگر اعضای هسته ای جنبه تشکیلاتی را کم داشته باشند با توجه به انکسایی بودن انضباط و وجود سایر شرایط می توان با پشتکار، مداومت در عمل و نظم آنرا ایجاد نمود .

#### وظایف هسته ها و محافل سیاسی

الف - ارتباط با کارگران پیشرو و تشکیل هسته های صنفی - سیاسی . از نظر عملی ارتباط با کارگران پیشرو و کار ترویجی در میان آنها از مهمترین وظایف يك هسته سیاسی است . ( البته با توجه به موقعیت مکانی ) هسته ، کارگران پیشرو را در هسته های صنفی - سیاسی متشکل میکند . در این هسته یکی از اعضا ، هسته سیاسی همراه با چند کارگر پیشرو و احياناً روشنفکر انقلابی شرکت می کنند . کارگر قبل از وارد شدن در يك هسته باید در يك پروسه مبارزاتی رشد کند . به این خاطر تشکیل دادن جمعی از کارگران پیشرو که از آمادگی سیاسی برخوردارند بهترین شکل برای رشد و ارتقا کارگران پیشرو بسطح

بالا ترمیباشد . ترویج در این هسته‌ها با کارگران پیشرو بایستی  
منظم و مداوم باشد . این آموزش باید همراه با تبادل نظر پیرامون  
وضعیت کارگران ، مسائل عمومی جنبش و نحوه کمک و شرکت ما در آن  
باشد . ارتباط با کارگران پیشرو می‌تواند از طریق شرکت در کار تولیدی  
رفتن به مجامع کارگری زندگی در محلات کارگری و غیره بوجود آید .

وظایف هسته های صنفی . - سیاسی کارگری

این هسته‌ها تنها جایگاه مناسب پرورش انقلابی کارگران میباشند  
این هسته‌ها نطفه‌ای دو سلولی میباشند که از طرفی عناصر سازمان  
انقلابیون از آن برمیخیزد و از سوی دیگر عناصر ورزیده و آگاه برای  
هدایت سازمان کارگران بیرون خواهند داد . ( بررسی وضعیت سیاسی  
آینده ) وظیفه هسته‌های صنفی - سیاسی کارگری ، پخش اعلامیه و  
تراکت های اقتصادی و سیاسی بین کارگران ، کسب اخبار مبارزاتی  
کارگران تهیه گزارش از محیط کار تبلیغ شفاهی در میان کارگران رابطه  
گرفتن با دیگر هسته‌های کارگری کارخانجات و ایجاد یک نشریه فابریکی  
در کارخانه است .

ب - شرکت در مبارزات دهقانی ( با توجه به شرایط هسته )

هسته با توجه به موقعیت مکانی و مبارزاتی خود باید در جنبش‌های  
دهقانی شرکت کند . مبارزه مارکسیست - لنینیست ها تنها به طبقه کارگر

محدود نمیشود. رشد مبارزه خرده بورژوازی و دهقانان را نباید  
 موقوف به ارتقا و مبارزه کارگران ساخت و در مقابل آن موضع بی عملی  
 گرفت، هم — ل ها باید در هر نوع مبارزه تودهای نقش پیشتاز و هدایت  
 کننده مبارزه را دارا باشند. تبلیغ و ترویج در میان دهقانان امری  
 است که بعلت ضعف جنبش کمونیستی کتر بدان پرداخته شده است و  
 بعبارتی پرداخته نشده است. بدین خاطر برخورد به مسئله دهقانان  
 یکی از وظایف هسته است. برای رابطه گرفتن با روستا باید با روشنفکر  
 روستا رابطه گرفت. دانش آموزان ساکن روستا، دانشجویانی که منشأ  
 روستایی دارند بطور طبیعی با روستا رابطه دارند. معلمینی که در  
 بخش ها و روستا ها تدریس میکنند بهترین پلهای ارتباطی با روستائیان  
 هستند. بهر حال از طریق چنین کانالهایی باید با روستا رابطه گرفت  
 و از وضع روستا گزارش تهیه کرد. روشنفکران مقیم روستا باید از طریق  
 شرکت در بحثهایی که معمولا داخل قهوه خانه و مسجد و میدان  
 صورت میگیرد به تبلیغ و افشاگری در مورد مسائل دهقانان بپردازند.  
 دشمنان محلی دهقانان را در لباسهای گوناگون از طریق صحبت  
 شفاهی و نشان دادن عملکردهای آنان افشا کنند. اعلامیه های  
 مناسب در میدان روستا نصب کنند. بتشکیل شوراهای دهقانی کمک  
 کند رهبری و هدایت این شوراها را بدست بگیرند و سعی کنند  
 روی افراد شورا تأثیر بگذارند و رهنمودهای صحیح به آنها بدهند.

کمک کند تا عناصر انقلابی و جوان روستا و یا روستائیان بی زمین و کم زمین حتما در شورا عضو باشند . با کار ترویجی روی دهقانهای پیشرو ریشه اصلی ستم و استثمار دهقانان را نشان بدهند (برخورد به هیئت حاکمه و توضیح سیستم اجتماعی اقتصادی حاکم برای دهقانان) ج - علاوه بر کار در طبقه کارگر و دهقانان هسته وظیفه دارد در میان روشنفکران انقلابی از مارکسیسم دفاع کند و رویزونیستها و اپورتونیستها را افشا کند . در این رابطه هسته بایستی مطالعه منظم و مرتبی بکند . و برنامه آموزشی برای خود داشته باشد . یا در صورت امکان و ضرورت هسته میتواند در محیط خود کار تحقیقی انجام دهد . و به این طریق گوشهای از سیاست و اقتصاد کل جامعه را روشن نماید . یا فعالیتهای دیگری که بستگی به محیط و شرایط فعالیت هسته دارد . البته وظایف ذکر شده بالا ضرورتا وظایفی نیستند که یک هسته تمام آنها را انجام بدهد . بلکه با اصلی - فرعی کردن <sup>باید</sup> نیروی خود را به نسبت بیسن آنها تقسیم کند .

### کار مستقل و ارتباط با سازمانهای سیاسی

در مورد رابطه هسته با سازمانهای سیاسی بنظر ما در شرایط کنونی هسته باید فعالانه در صدد تماس با گروهها و سازمانهای سیاسی باشد . در این رابطه یکی از وظایف مهم هسته ها شناخت دقیق

گروهها و سازمانهای سیاسی فعال در سطح جنبش است تا بتوانند از طریق تنظیم برنامه خود با برنامه گروههایی که از جهت ایدئولوژیک سیاسی با آنها در وحدت بسر می‌برند از خرده کاری و دوباره کاری جلوگیری نمایند . هسته در عین برخورد فعال برای ارتباط با گروهها باید بکوشد با استفاده از تجربیات جنبش کمونیستی و با شناختن ضعفهای درونی خود و برنامه ریزی برای برطرف کردن این ضعفها مستقلانه به فعالیت بپردازد . هسته باید دیالکتیک بین مبارزه مستقل و نیز کوشش برای وحدت با سایر نیروها را دریابد . در این رابطه برخورد انتقادی و مبارزه ایدئولوژیک جزء ضروری پروسه ارتباطگیری و وحدت با گروهها میباشد .

### سازماندهی و ضوابط تشکیلاتی محفل

#### ۱ - ضرورت انتخاب مرکزیت

برای سازماندهی افراد قدم اول انتخاب مرکزیتی برای محفل است . این مرکزیت از چند عضو محفل که قابلیت تئوریک و عملی بیشتری دارند انتخاب میشود . اعضای مرکزیت باید با هم رابطه منظم داشته باشند . برای کار خود برنامه ریزی کنند . جلسات منظم هفتگی داشته باشند . در این جلسات باید راجع به جنبه های مختلف فعالیت اعضای محفل بحث و تبادل نظر کنند . در جلسات مرکزیت هر عضو مرکزی بایست

لیستی از مسائل و مشکلاتی را که در حوزه مسئولیت خود با آن برخورد کرده است ارائه دهد . هر عضو مرکزی مستقلا و قبل از جلسات رهبری باید روی این مسائل و مشکلات فکر کند و راه حلی را که بنظر خودش میرسد در جمع مرکزی مطرح کند . دیگر اعضای رهبری باید فعالانه و مسئولانه به این مشکلات و به راه حل پیشنهادی برخورد کنند . حاصل بحث و برخورد های جمعی رهبری پیدا کردن راه حل برای این مشکلات است . تا موقعیکه برای يك مسئله به راه حلی نرسیده ایم نباید سراغ مسئله دیگری برویم . در جلسات رهبری مسائل باید به ترتیب اهمیت بررسی شوند . راه حلی که برای يك مسئله داده میشود حتی المقدور باید کامل و با در نظر گرفتن همه جوانب مسئله باشد . راه حل های سطحی و یکجانبه در جریان عمل با شکست روبرو خواهد شد و ما را مجبور میکند که دوباره روی آن بحث کنیم . در پیدا کردن راه حل از وارد شدن در بحث های جزئی و ریزه کاری هایی که مربوط به نحوه عملی کردن راه حل است باید پرهیز کرد و آنرا به عهده ابتکار شخصی اعضای مجری راه حل واگذار کرد .

## ۲ - سازماندهی

برای انجام وظایفی که بعهدہ محفل\* است باید کارها و مسئولیت های مشخص بعهدہ افراد و هسته های جدا گانه گذاشته شود . تا موقعی که تقسیم کار بین اعضای محفل صورت نگرفته و اعضا بر حسب قابلیت های خود

برای انجام کارهای گوناگون به نحو صحیحی سازماندهی نشده اند. محفل نمیتواند حرکتی داشته باشد. سازماندهی صحیح مهمترین مسئله لازم برای يك تشکیلات است. در سازماندهی صحیح وظیفه هر فرد و حوز مسئولیتش مشخص است. افراد به هسته‌ها و کمیته‌های اختصاصی برای انجام کارهای گوناگون تقسیم شده اند و هر هسته‌ای يك مسئول دارد. جمع مسئولین هسته‌ها رهبری محفل را تشکیل میدهد. بین هسته‌های مختلف باید ارتباطات منظم برقرار باشد. وظایف هر هسته باید از طرف رهبری دقیقاً مشخص شوند. کار هسته‌های مختلف باید طبق برنامه‌ریزی تشکیلاتی و هماهنگ با دیگر هسته‌ها باشد و محفل در مجموع همچون يك مجموعه ارگانیک به حرکت خود ادامه دهد. سازماندهی گروه در جریان رشد و حرکت گروه و افزایش کمی و کیفی وظایفش دائماً باید تغییر کرده و پیچیده تر شود. وظیفه سازماندهی افراد محفل و هسته‌های مختلف برای انجام کارهای تخصصی گوناگون به عهده رهبری محفل است.

۳ - توجه به مسائل تئوریک

علاوه بر مسائل و مشکلات ناشی از فعالیت عملی و سازماندهی افراد و نیروها در جلسات رهبری حتماً باید روی مسائل سیاسی روز بحث و تبادل نظر شود. رهبری باید حتی المقدور راجع به این مسائل موضعگیری کند و نظر خود را مشخص کند. نظری که جمع رهبری بآن

میرسد هنوز نمیتواند نظر محفل تلقی شود . رهبری باید نظریات خود را از طریق کتبی و بحثهای شفاهی که عضو رهبری در حوزه مسئولیت خودش دامن میزند ، به میان اعضا ببرد و اعضا موظفند به این نظریات برخورد کرده و نظر خود را به رهبری ارائه دهند و رهبری با جمع بندی همه این نظریات نظر محفل را راجع به مسئله مطرح شده مشخص کند و انتشار بیرونی بدهد . بدینوسیله اصل مرکزیت دموکراتیک در زمینه مبارزه ایدئولوژیک رعایت شده است .

#### ۴ - طرح مسائل و مشکلات با همه اعضا

رهبری تشکیلات باید مسائل و مشکلات عمومی تشکیلات را از طریق گزارشات اعضا و مشاهدات عینی خودش بشناسد . این مسائل و مشکلات تنها به کمک نیروی جمعی همه اعضای تشکیلات قابل حل هستند . از اینرو رهبری باید مشکلات را با اعضا در میان بگذارد تا هر عضو گروه دید عینی و واقع بینانه ای نسبت به کل تشکیلات داشته باشد و بتواند به سهم خود در پیدا کردن راه حل و انجام راه حلها رهبری را یاری کند .

#### ۵ - انتقاد و انتقاد از خود

مسئله دیگر برقراری سیستم انتقاد و انتقاد از خود در تشکیلات است . معمولا به علت کم تجربگی در زمینه کار عملی و تشکیلاتی ، شناخت محدود اصول مارکسیسم - لنینسم و ضعفها و خصلتهای خرد بورژوازی



و مجموعه شرایط حاکم بر محفل و افراد در جریان کار اشتباهاتی به وجود می‌آید. باید توجه داشته باشیم که همانطور که هر قدم مبارزاتی محفل در حد خود مبارزه طبقه کارگر و توده‌ها را به پیش میراند، به همین ترتیب هر اشتباه کوچکی نیز که محفل مرتکب شود در حد خود به جنبش کمونیستی و آرمان پرولتاریا لطمه میزند و گاهی اوقات کارهای مثبتی را نیز که انجام داد هاید خنثی میکند. آنچه در این میان فوق‌العاده اهمیت دارد نحوه برخورد محفل به این اشتباهات و جلوگیری از تکرار آن است. «لنین مینویسد "روش حزب سیاسی نسبت به اشتباهات خود یکی از مهمترین و صحیحترین معیارهای جدی بودن حزب و اجرای عملی وظایف وی نسبت به طبقه خودش و توده‌های زحمتکش است. اعتراف آشکار به خطا کشف علل آن تجزیه و تحلیل اوضاع و احوالی که موجب این اشتباه شده است. بحث و مذاکره دقیق در اطراف وسایل رفع اشتباه - اینست علامت یک حزب جدی اینست اجرای وظایفی که وی برعهده دارد. اینست تربیت و تعلیم طبقه و سپس توده‌ها»

(منتخب آثار - صفحه ۷۴۸ بیماری کودک کی چپ روی در کمونیسم)

مطابق این رهنمود لنین در برخورد به یک اشتباه قبل از هر چیز قبول این اشتباه و اعتراف صریح و آشکار به آنست. تجربه نشان داده که این قدم اول در بررسی یک اشتباه خیلی مهم است و بدون برداشتن این قدم نمیتوان به ریشه‌یابی اشتباه پرداخت. ولی معنی انتقاد و

انتقاد از خود مارکسیستی صرفاً در قبول ساده اشتباهات نیست . آنچه در این مرحله اهمیت مینابد پیدا کردن علل بروز اشتباه است . هر اشتباهی معمولاً نتیجه يك دیدگاه غلط نسبت به مسائل است . ناشی از ذهنیگری ما نسبت به شرایط عینی است . باید مشخص شود چه انحراف معرفتی از اصول مارکسیسم مرتکب شده ایم . این انحراف در زمینه فلسفی ، سیاسی و تشکیلاتی باید روشن شود . ممکست به ذهنیگری در غلطیده باشیم . ممکست تضادهای اصلی و فرعی پدیده را درست تشخیص ندادیم . ممکست به دگماتیسم و مطلق کردن اصول عام نسبت به شرایط خاص گرفتار شده باشیم و سایر انحرافات فلسفی دیگر مثل پراگماتیسم ، آمپیرسم ، یکجانبه گیری ، سطحی نگری و غیره

در زمینه سیاسی نیز ممکست گرفتار انواع انحرافات از مشیی پرلتری شده باشیم . نظیر اکونومیسم ، ماجراجویی ، برخورد روشنفکرانه و غیره از نظر تشکیلاتی نیز ممکست گرفتار سکتاریسم ، لیبرالیسم ، بی انضباطی ، عدم احساس مسئولیت نسبت به تشکیلات شده باشیم . در غلطیدن به هر يك از این انحرافات در تضاد با منافع پرلتاریاست و از منافع طبقات غیر پرلتری دفاع میکند . مرتکب شدن این اشتباهات معمولاً يك ریشه خصلتی در شخصیت غیر پرلتری افراد تشکیلات دارد . که این خصلتها نیز به کمک خود فرد باید روشن شوند اعم از خود —

خواهی، برتری طلبی، انفراد منشی و غیره. تا موقعیکه علل معرفتی و خصلتی یک اشتباه دقیقاً مشخص نشوند و افراد حامل این دیدگاهها غلط معرفتی و خصائل غیر پرلتری در صدد تصحیح دیدگاههای خود و زدودن خصائل غیر پرلتری خویش بر نیایند دائماً اشتباهات متعددی از ناحیه این افراد بروز خواهد کرد.

علاوه بر این علل معرفتی و خصلتی درونی در افراد همیشه یک اوضاع و احوال بیرونی وجود دارد که زمینه را برای بروز اشتباه فراهم میکند. اگر این اوضاع و احوال بیرونی را بررسی نکنیم و شناسایی بر خورد یکجانبه‌ای کردیم. تا موقعیکه این اوضاع و احوال را تغییر ندهیم حتی اگر افراد ضعفهای معرفتی و خصلتی خود را بر طرف کنند باز هم اشتباهاتی بوجود خواهد آمد. اصولاً فرد با اوضاع و احوال بیرونی خود که شامل افراد دیگر نیز میشود یک رابطه دیالکتیکی دارد و این دو در رابطه با هم تغییر میکنند و بطوریکه آن نبه نمیتوان شناختی از فرد یا محیط بدست آورد و یا آنها را تغییر داد. آخرین قدم در برخورد به یک اشتباه "بحث و مذاکره دقیق در اضراف و سایل رفع اشتباه" است. باید بدنبال تجزیه و تحلیل دقیق همه جانبه و سیستماتیک که در فوق بر شمردیم رهنمودهای مشخصی برای رفع اشتباه و جلوگیری از تکرار آن تعیین کنیم و این رهنمودها را دقیقاً بکارگیریم.

## ۶ - رعایت مسائل امنیتی

ممکن است عدم‌امای از رفقا فکر کنند که در شرایط لیبرالی رعایت مسائل امنیتی لازم نیست. ولی این طرز تفکر اشتباه و ناشی از راحت طلبی و بی انضباطی و برخورد غیر مسئولانه روشنفکری است. وجود هسته و روابط درونی هسته بایستی کاملاً مخفی باشد. و از وجود آن به غیر از افراد خودی کسان دیگری نباید خبر دار باشند. هسته و اعضای آن بایستی از یکسری ضوابط امنیتی که هسته تأیید کرده - پیروی کند. و در این پیروی دقیق و جدی باشند. و آنها را رعایت کند. در مورد ضوابط امنیتی خود نوشته دیگری نمیخواهد و در این جزوه نمی‌توان به آن ضوابط پرداخت. البته در این زمینه سازمانهای انقلابی نوشته‌هایی دارند که میتوان از آنها استفاده کرد.

## ۷ - گزارش نویسی

مسئله مهم دیگر برقراری گزارش نویسی در هسته است. افسرد هسته باید از کارها و فعالیت تشکیلاتی خود گزارش‌های کتبی تهیه کنند. این گزارشها کارکرد اعضا را در هسته مطرح میکند و به ضعف و تجارب آنها برخورد می‌کند. در ضمن این گزارشها در جمع بندی و تدوین نظریات و تجارب هسته نقش بسزایی دارد. گزارشها شامل موارد زیر است.

الف - گزارش فعالیت در روستا و تشکیل شوراهای دهقانی و فعالیت

تبلیغی و ترویجی در میان دهقانان و روشنفکران روستا.

ب- گزارش‌شناسایی کارخانه فعالیت در میان کارگران، تجربه تبلیغ و ترویج در میان کارگران، تجربه پخش اعلامیه، تجربه برناممه مطالعاتی با کارگران، تجربه صحبت از مسائل زندگی کارگران و مسائل سیاسی روز و غیره است.

#### ۸- جمع‌بندی و تدوین تجربیات

محل در جریان حرکت خود در رابطه با اشتباهاتی که مرتکب میشود و نحوه برخوردش به این اشتباهات بتدریج تجربیات مبارزاتی کسب میکند. این تجربیات جزئی از دستاوردهای جنبش کمونیستی هستند. یک وظیفه مهم محل جمع‌بندی این تجربیات و بیرون کشیدن رهنمودهایی برای حرکت خود محل و نیز انتقال این تجربیات به گروهها و محافل است. محل در ادامه کار خود باید ضوابطی برای عضوگیری تدوین کند و در عضوگیریهای جدید این ضوابط را بکار گیرد. همچنین با برخورد انتقادی به اعضای قدیمی خود سازد. گاه ضوابط جدید از آنها بخواهد که اشکالات و معایب خود را بر طرف کنند و بقیه رفقا در این راه به آنها کمک کنند. و اگر رفیقی از اصلاح خودش طفره میبرد یا اشتباهات و ضعفهای خود را قبول نمی‌کند باید قاطعانه او را از عضویت در تشکیلات کنار گذاشت.

## ۹ - همکاری رفیقا نه

اعضای محفل باید سعی کنند خود را بمثابه انسانهای رزمنده و آگاه و انقلابی پرورش دهند . چنین کاری فقط در جریان مبارزه و با کمک سایر رفقای همزم ممکن است . در جریان مبارزه ممکنست بارها مشکلات و مسائلی بروز کند که فرد به تنهایی از عهده حل آن بر نیاید و در برخورد به آن دچار انفعال و درماندگی شود . در چنین شرایطی دیگر رفقا وظیفه دارند که از جان و دل برای حل مشکل رفیقی که درگیری و مشکلات فراوانی دارد و زیر بار تضادها قرار گرفته است کمک کنند . بین اعضای يك هسته سیاسی باید روحیه رفیقانمو فداکارانه کمنیستی برقرار باشد . باید مشکلات فردی هر رفیقی را مشکل خود بینداریم و همانگونه که در باره مسائل خود فکر میکنیم و چاره اندیشی می کنیم در مورد مسائل سایر رفقا نیز بهمین گونه رفتار کنیم .

## ۱۰ - تدام ارتباط با توده ها و غنی ساختن آن

محفل باید در جهت مبارزه برای توده ها باشد . هر عضوی از محفل همواره باید بکوشد نزدیکترین ارتباطها را با توده ها و با مردم داشته باشد . افراد محفل نباید دور خودشان حصار بکشند و خود را از مردم جدا کنند . چنین عملی افراد را به مهره های بی احساس و بی عاطفه و بوروکراتی تبدیل خواهد کرد که بطور خشک و مکانیکی وظایف سیاسی خود را انجام میدهند ولی بتدریج از مردم دور میشوند .

مسائل آنها از مسائل مردم فاصله میگیرد . بریدن از توده ها افراد را نه تنها از خصلتهای مبارزاتی و انقلابی دور میکند بلکه تجربه نشان داده است . که جدایی از مردم باعث میشود که فرد بتدریج حتی خصوصیات انسانی خود را از دست بدهد و آدمی ذهنی گرا باشد . و ادامه این وضع روابط رفیقانه در محفل را دچار تزلزل و سی - مایی میکند . و به ادامه کار سیاسی محفل اطمینان میزند . حفظ تماس نزدیک و دائمی با توده مردم و برخورد انتقادی به خصلت افراد - منشی و انزوا جویی این نارسایی را در محفل رفع میکند .

## ۱۱ - تقسیم کار

در محفل بایستی وظایفی که وجود دارد بین اعضا به نسبت قابلیت و توان و دقت تقسیم شود . کارها بگونه ای تقسیم نگردد که یکی از افراد هسته کارهای بیشتری را به نسبت توانش بعهده بگیرد و یک رفیق دیگر کمتر از ظرفیت و توانائیش مسئولیت داشته باشد . چنین تقسیم کاری کیفیت انجام کارها را پایین میآورد . چرا که رفیقی که خارج از توانش مسئولیت بعهده دارد . نمیتواند مسئولیت هایش را دقیق و کامل انجام دهد . در نتیجه راندمان و کیفیت کارهایش تنزل می کند . از جانب دیگر رفیقی که کار و مسئولیت کمتری دارد . علافی و بیکاری می کشد .

۱۲ - چند رهنمود کوتاه برای هدایت بحث در جلسات جمعی

- الف - در جریان بحث باید دقیقاً به حرفهای طرف مقابل گوش داده و صحبت خود را از همان جملات و مفاهیمی که او بکار میگیرد شروع کرده و در ادامه بحث به مفاهیم مورد نظر خود مان برسائیم . نباید سر رشته بحث را رها کنیم و مطلب را از جای دیگری شروع کنیم . اگر هم لازم می بینیم برای بحث مقدماً چنین کاری بکنیم ، باید در ادامه بحث خود به سر رشته بحث و نظرات رفیق مقابل برگردیم .
- ب - در جریان بحث باید سعی کنیم تمرکز حواس خود را روی مطالب اصلی از دست ندهیم . نباید ذهن خود را بدست مسیر خود بخودی بحث رها کنیم . نباید مثل يك بازیکن ناشی فوتبال همیشه دنبال توپ بدویم . باید نقش و موقعیت خود را دقیقاً تشخیص دهیم و سنجیده بحث کنیم .

---

زیر نویس صفحه ۱۶ در واقع در جریان سازماندهی، توجه بمسائـل تئوریک و سایر رهنمودهایی که در این جزوه داده شده است محفل به تدریج از شکل اولیه خود خارج میشود و بشکل گروه در میآید که گروه نیز مناسب با رشد و انسجام خود و گستردگی دامنه فعالیتش سازماندهی پیچیده تری را طلب میکند که موضوع بحث این جزوه نیست . ما از این بیعد نیز علیرغم این تغییر و تکامل محفل به گروه از همان لفظ محفل استفاده میکنیم . ( ۲۶ )